

مطالعه کیفی مؤلفه‌های مؤثر بر پیشرفت جوامع اسلامی مورد مطالعه کشور مالزی علی باصری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۹

چکیده:

کشور مالزی با ۶۰ درصد جمعیت مسلمان که طی نیم قرن گذشته توانسته از فقیرترین کشور دنیا (۵۵ درصد فقیر) به کشوری با تنها ۱ درصد فقیر خود را به رتبه توسعه یافتگی برساند، می‌تواند به عنوان یک کشور مسلمان با الگوی موفقیت اجتماعی و اقتصادی مورد پژوهش قرار گیرد. از این رو، تحقیق حاضر با هدف مطالعه نظام‌مند و ارائه فرا ترکیبی از الگوهای نظری و پژوهش‌های انجام شده با موضوع مطالعه روند پیشرفت مالزی صورت گرفت. روش بررسی این پژوهش کیفی و از نوع سستز پژوهی است که با روش تحلیل محتوا به کمک فراترکیب انجام شده و از نظر هدف کاربردی است. جامعه آماری پژوهش و اصلی‌ترین منابع گردآوری اطلاعات، پژوهش‌های متعددی است که در سنوات اخیر در حوزه پیشرفت جوامع اسلامی (مالزی) در داخل و خارج از ایران انجام شده است. از مجموع ۵۰ نمونه منابع علمی و مقاله‌ای که از پایگاه‌های معتبر داخلی و خارجی مورد مطالعه قرار گرفت، متناسب با ارتباط موضوعی داده‌ها، تعداد ۲۰ نمونه به صورت هدفمند انتخاب ۱۳ مؤلفه پرتکرار فرعی و ۴ مقوله اصلی شناسایی و در نهایت ۵۶ مفهوم به عنوان مؤلفه‌های نهایی استخراج شدند. بدین ترتیب، پس از مراحل کدگذاری و طبقه‌بندی دقیق داده‌ها، نتایج نشان داد؛ مؤلفه‌های مؤثر بر پیشرفت کشور مالزی عبارتند از: شاخص‌های اصلی ۱- توسعه اقتصادی با زیر مقوله‌های؛ عدالت اقتصادی، کاهش هزینه‌ها، بانکداری اسلامی، تجارت آزاد، اقتصاد صنعتی، ۲- توسعه سیاسی با زیر مقوله‌های؛ عدالت سیاسی، رشد دیپلماسی و تعامل با نخبگان، ۳- توسعه علمی -آموزشی با زیر مقوله‌های؛ ارتباطات بین‌المللی، تولید دانش، رقابت جهانی و ۴- توسعه اجتماعی با زیر مقوله‌های؛ یکپارچه سازی فرهنگی، عدالت اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی.

واژگان اصلی: پیشرفت، مطالعات پیشرفت اسلامی، جهان اسلام، توسعه، مالزی، سستز پژوهی.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه و بیان مسئله

دهه ۱۹۷۰، مالزی به تقلید از رویه چهار ببر (قدرت اقتصادی) اصلی آسیا پرداخت و خود را واداشت تا از وابستگی به استخراج معادن و کشاورزی به اقتصادی عادت دهد که بیشتر به سازندگی (صنعت) وابسته می‌باشد. با سرمایه‌گذاری ژاپن، در طول چند سال صنایع سنگین آن شکوفا شد و صادرات مالزی به موتور اولیه رشد کشور تبدیل شدند. مالزی پیوسته به رشد بیش از ۷٪ در تولید ناخالص ملی در کنار تورمی پایین در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ دست یافت (مسائلی، ۱۳۷۵: ۹۷).

سرزمین مالزی همچون دیگر ممالک جنوب شرقی آسیا تا پایان جنگ جهانی دوم، به طور مستقیم و غیرمستقیم تحت استعمار کشورهای غربی (انگلستان) و شرقی (ژاپن) بوده است. این سرزمین نخستین تجربیات خود را در خصوص توسعه از اوایل دهه ۱۹۷۰ آغاز کرد. توسعه در این کشور امری غیر تاریخی است که به مقتضای شرایط داخلی و بین‌المللی در نیمه دوم قرن بیستم صورت پذیرفته است.

مالزی از نظر منابع اولیه طبیعی، کشوری غنی به شمار می‌رود، از منابع مهم این کشور، نفت و گاز طبیعی، کائوچو، روغن نخل، قلع، کائو و الوار می‌باشند از نظر صنعتی نیز در شمار کشورهای تازه صنعتی شده به شمار می‌آید که عمده‌ترین محصولات آن را روغن نخل، کائوچوی طبیعی، تولیدات الکترونیکی، خودرو و دستگاه تهویه مطبوع تشکیل می‌دهند (مرادی حقیقی ۱۳۹۴: ۹۷). تجربه موفق دو دهه ۸۰-۱۹۷۰، مالزی مدیریت اقتصادی این کشور را بر آن داشت تا در دهه ۱۹۹۰ به طرح برنامه توسعه اقتصادی ۳۰ ساله‌ای همت گمارد تا در لوای آن تا سال ۲۰۲۰، تبدیل به یک کشور کاملاً صنعتی و پیشرفته شود. این برنامه به برنامه ۲۰۲۰ مالزی معروف شده است. بنابراین امروزه از مالزی به عنوان الگو یا نمونه کشوری توسعه یافته یا در حال توسعه شتابان یاد می‌شود (مسائلی، ۱۳۷۵: ۹۷).

بنابراین، دستیابی به پیشرفت و توسعه کشورها در جهان امروز، امری بسیار پیچیده و دشوار بوده و رقابت شدید میان دولتها و ملتها سبب شده تا هر کشوری برای جا نماندن از کاروان پیشرفت جهانی به طراحی الگو و برنامه‌ریزی‌های دقیق کوتاه مدت و بلند مدت پردازد و چشم انداز روشنی از اهداف آتی و مسیر رسیدن به این اهداف را به تصویر بکشد. با این وجود، به صرف طراحی یک الگوی پیشرفت تمام کشورها موفق به پیشرفت نشده و تنها تعدادی از دولت‌ها توسعه یافته شده‌اند که نشان می‌دهد علاوه بر داشتن یک الگوی پیشرفت مشخص میزان موفقیت کشورها در پیشرفت وابسته به عواملی نظیر ویژگی‌ها و شرایط سیاسی فرهنگی اجتماعی و... در کشور است. در واقع، الگوی پیشرفت و توسعه در هر کشور، باید با شرایط سیاسی فرهنگی اجتماعی دینی و... حاکم در کشور سازگار باشد تا

بتواند در مسیر صحیح اجرایی قرار گرفته و اهداف غایی را محقق سازد. کشورهای ایران، ترکیه و مالزی سه کشور اسلامی هستند که از لحاظ ویژگی‌های داخلی شباهت زیادی با یکدیگر دارند؛ هر سه کشور مسلمان با تنوع قومی و فرهنگی گسترده هستند که در گذشته در شمار کشورهای کمتر توسعه یافته قرار داشته و تقریباً هم زمان با هم به طراحی الگوی پیشرفت برای خود پرداختند. اما نکته قابل توجه این است که کشورهای ترکیه و مالزی به پیشرفت دست یافتند، اما کشور ایران با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت آن طور که شایسته و مورد انتظار بود؛ پیشرفت نکرده و از عرصه توسعه و رقابت‌های جهانی باز ماند (رسولی و سروری، ۱۳۹۸: ۹۵).

مطالعات پیشرفت جوامع اسلامی نشان داده؛ واکاوی و مقایسه الگوی پیشرفت در کشورهای مذکور در هر سه الگو، مبانی اسلام و عمل به اصول اسلامی مورد توجه بوده و اهداف غایی دولت‌ها در توسعه دادن کشور، دستیابی به اهداف انسانی مدنظر اسلام نظیر عدالت اجتماعی و زدودن فقر است. آنچه موجب تفاوت این الگوها با یکدیگر شده، اولویت مبانی اسلامی در الگو و میزان استفاده و اقتباس از الگوهای کشورهای غربی است.

از طرفی در میان کشورهای برتر جهان اسلام، مالزی یکی از کشورهای آسیای جنوب شرقی است که روند توسعه اقتصادی-اجتماعی خود را در دوره بعد از جنگ جهانی دوم و به طور مشخص از دهه ۱۹۷۰ آغاز کرد. این کشور با بهره‌مندی از مدیریت دقیق اقتصادی، بهره‌گیری از تجربه نسل اول توسعه در این منطقه (ژاپن و کره جنوبی)، سرمایه‌گذاری خارجی و آزادسازی اقتصادی به سرعت رو به توسعه نهاد و امروزه یکی از کشورهای توسعه‌یافته مسلمان به شمار می‌رود. در عین حال، سیاست در این کشور همچون ممالک توسعه یافته دموکراتیک نیست، اما رو به سوی دموکراسی دارد و در حال نزدیک شدن به آن است. نوشتار حاضر به بحث پیرامون چگونگی فرایند توسعه و بخصوص توسعه سیاسی و دموکراسی در این کشور بخصوص در سالهای نخست وزیری ماهاتیر محمد (۱۹۸۱-۲۰۰۳م) می‌پردازد. (شیرزادی، ۱۳۸۹: ۱۵۳)

مطالعات پیشرفت جوامع اسلامی نشان داده، واکاوی و مقایسه الگوی پیشرفت در کشورهای مذکور در هر سه الگو، مبانی اسلام و عمل به اصول اسلامی مورد توجه بوده و اهداف غایی دولت‌ها در توسعه دادن کشور، دستیابی به اهداف انسانی مدنظر اسلام نظیر عدالت اجتماعی و زدودن فقر است. آنچه موجب تفاوت این الگوها با یکدیگر شده اولویت مبانی اسلامی در الگو و میزان استفاده و اقتباس از الگوهای کشورهای غربی است.

۱- اهداف و سؤالات پژوهش

- یکی از جنبه‌های مهم و اساسی در رابطه با ساختار کشورهای اسلامی و مسلمان توجه به مدل یا الگوهای توسعه و پیشرفت جوامع اسلامی می‌باشد، در این مقاله به مؤلفه‌های مؤثر بر پیشرفت جوامع اسلامی با تأکید بر کشور مالزی پرداخته می‌شود و سؤالات زیر مطرح می‌گردد:
- توسعه اقتصادی با زیر مقوله‌های؛ عدالت اقتصادی، کاهش هزینه‌ها، بانکداری اسلامی، تجارت آزاد، اقتصاد صنعتی در کشورهای اسلامی (مالزی) چگونه است؟
 - توسعه سیاسی با زیر مقوله‌های؛ عدالت سیاسی، رشد دیپلماسی و تعامل با نخبگان در رابطه با پیشرفت جوامع اسلامی چگونه است؟
 - توسعه علمی - آموزشی با زیر مقوله‌های؛ ارتباطات بین المللی، تولید دانش، رقابت جهانی در رابطه با پیشرفت جوامع اسلامی چگونه است؟
 - توسعه اجتماعی با زیر مقوله‌های؛ یکپارچه سازی فرهنگی، عدالت اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی در رابطه با جوامع اسلامی چگونه است؟

۲- پیشینه پژوهش

- گلدانی و قربانپور (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان «مقایسه تطبیقی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و توسعه پایدار» بیان می‌نمایند؛ مطالعه حاضر به مقایسه اهمیت ابعاد مختلف در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در اهداف توسعه پایدار می‌پردازد و در نهایت، با هدف ارتقاء ظرفیت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در مواجهه با انواع بحران، به مدد رویکرد هم‌افزایی‌نگری، از تطبیق الگوی جهانی توسعه پایدار و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، متمم‌هایی راهبردی را در جهت ارتقای الگوی پیشرفت، ارائه خواهد داد. برای این منظور، ۵۶ تدبیر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و ۱۶۹ هدف خرد توسعه پایدار در هشت بعد کلی تقسیم‌بندی شده و سپس میزان اهمیت هر یک از این ابعاد مشخص گردیده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که میزان پرداخت بعد اجتماعی و بعد محیط زیستی در توسعه پایدار به مراتب بیشتر از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. مبانی انقلابی و اسلامی تنها در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مورد توجه قرار گرفته است. لذا هم‌گونی اهداف و در توزیع شاخص‌های تولیدی برای سنجش پیشرفت در ابعاد مختلف، می‌تواند چالش اساسی این الگو تلقی گردد.

- صالحی و قاسمی (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «سازمان‌های غیررسمی زنان مالزی و ترویج ارزش‌های فرهنگی ایران»، می‌نویسد؛ مجاری غیردولتی مردم‌نهاد و شیوه‌های فرهنگی یکی از راه‌های ارتباط با ملت‌ها و دستیابی به اهداف فرهنگی و منافع ملی است. سازمان‌های فرهنگی غیردولتی زنان مالزی یکی از این مجاری غیررسمی است. در مالزی سازمان‌های غیردولتی بسیاری برای حمایت از پیشرفت زنان، بنیان خانواده و به وجود آوردن فرصت‌های شغلی و فرهنگی فعالیت می‌کنند. تأسیس این مراکز، رشد مثبت فرهنگی و غنای توسعه ملی در حوزه فرهنگ مالزی را به‌ویژه در حوزه زنان به دنبال داشته است. بنابراین شناسایی سازمان‌های فرهنگی مالزی به لحاظ بافت فرهنگی قوی و محل حضور ادیان و آیین‌های مختلف، زمینه و فرصتی برای همکاری و ترویج ارزش‌های فرهنگی است. هدف این نوشتار، بررسی سازمان‌های غیررسمی زنان مالزی و شناسایی فرصت‌هایی است که برای ترویج ارزش‌های فرهنگی ایران در مالزی وجود دارد. از این‌رو، تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که چگونه می‌توان با استفاده از این فرصت‌ها به ترویج ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی پرداخت؟ براساس نظریه سازمانگاری، ترویج ارزش‌های فرهنگی مشترک، سبب شکل‌دهی و تقویت هویت مشترک و به تبع آن کنش‌های همسو می‌شود. بنابراین، دسته‌بندی نهادهای غیررسمی زنان مالزی و ترویج ارزش‌های متناسب با محور فعالیت‌های آنها، تمرکز بر ارزش‌ها و باورهای مشترک، و برنامه‌ریزی بر مبنای فعالیت‌های عمده و اصلی این نهادها (مانند دفاع از حقوق زنان، استبدادستیزی، تأمین آزادی‌های قانونی، عدالت اجتماعی)، استفاده از ویژگی‌های بنیادین این نهادهای غیررسمی (مانند ساختار مردمی، دسترسی آسان و نداشتن قید و بندهای معمول سازمان‌های دولتی) نقش مؤثری در ایجاد و تقویت نگرش‌های مشترک نسبت به مسایل و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی دارد. نگرش‌های مشابه نیز عملکردهای هماهنگ و در نتیجه ترویج ارزش‌های فرهنگی را به همراه دارد. این نوشتار به روش تحلیلی-توصیفی، با معرفی برخی از سازمان‌های غیردولتی زنان در مالزی و بیان فعالیت‌های آنها، می‌کوشد زمینه‌ها و فرصت‌های موجود در عرصه فعالیت این سازمان‌ها را برای ترویج ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بررسی و معرفی نماید.

- فائزه مرادی حقیقی و احمد موثقی گیلانی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «کارکرد اجتماعی و فرهنگی مذهب در توسعه اقتصادی مالزی»، تلاش نمودند تا به اهمیت مذهب در یک کشور

اسلامی در جهت پیگیری اهداف توسعه و رعایت توازن و تعادل در برنامه‌ریزی‌های مربوط به آن بپردازند. در عین حال با استفاده از رهیافت سیاست‌سازشی، طرح این فرضیه که «ترتیب‌بندی و اولویت‌گذاری متناسب و متوازن در اهداف توسعه، با توجه به مقوله‌های فرهنگی نظیر مذهب، شرط لازم و ضروری در جهت تحقق و توسعه اقتصادی می‌باشد»، اولویت تغییرات بنیادین و فلسفی در قالب فرهنگ توسعه‌ی نهفته در مذهب مشخص شده و توازن مطلوب با توجه به شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی دین اسلام در تجربه موفق مالزی نشان داده شده است. در واقع آگاهی مؤثر سیاست‌گذاران مالزیایی از سنت‌های مطلوب فرهنگی در چارچوب مذهب، زمینه ساز ارتقای سطح فکری جامعه و شکل‌گیری فرهنگ مطلوب توسعه گردیده است.

- عبدی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خود با عنوان «مقایسه کشور ایران با کشور مالزی با تکیه بر شاخص‌های توسعه انسانی»، به بررسی مقایسه کشور ایران با کشور مالزی با تکیه بر شاخص توسعه انسانی که برای رسیدن به اهداف پژوهش از نظریه‌های نظریه رستو، آرتور لوئیس، هارود دومار، پل هرسیون، لرنر، هانتگتون استفاده شده، می‌پردازد. روش تحقیق مطالعه از نوع تاریخی-مقایسه‌ای که به صورت توصیفی است. نتایج نشان داد که چون جمعیت ایران نسبت به جمعیت مالزی بیشتر است ایران در شاخص‌های جمعیتی بالاتر از مالزی است. اما وضعیت کشور مالزی در (شاخص‌های شهرنشینی، تولید ناخالص داخلی، شاخص‌های آموزش، شاخص‌های سلامتی و بهداشتی، شاخص محیط زیست، شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات و در کل شاخص توسعه انسانی و سرمایه انسانی) نسبت به ایران بهتر و بالاتر است.

- سعد مانزی و احمد روحانی (۲۰۲۰) با بررسی «تأثیر بخش عمومی مالزی در رابطه بین سبک‌های رهبری تحول‌آفرین و توسعه شغلی»، بیان نمودند؛ سبک‌های رهبری یک برنامه‌جانشین‌پروری سیستماتیک، همراه با توسعه حرفه‌ای قوی برای کارمندان بخش دولتی مهم است. با در نظر گرفتن این موضوع، تمرین استراتژی رهبری مناسب ممکن است به یک سیستم مدیریت خوب کمک کند. بنابراین، این پژوهش در نظر دارد تا رابطه بین سبک‌های رهبری و برنامه توسعه شغلی را مورد بررسی قرار دهد. پرسشنامه‌ها همچنین درک زیردستان از سبک‌های رهبری و انتظارات برای پیشرفت شغلی بیشتر را بررسی کردند. طرح تحقیق کمی با توزیع پرسشنامه‌های نظرسنجی بین ۵۷۶ کارمند دولت بخش عمومی مالزی به کار گرفته شد. نتایج این تحقیق بینش جدیدی در مورد اهمیت ارزش‌های رهبری در برنامه‌ریزی جانشین‌پروری سازمان‌های دولتی ارائه می‌دهد.

- محمد صالح سالیبا و احمد جمیل (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «مروری بر ادبیات نظام مند مقیاس جهت‌گیری اسلامی در مالزی» اظهار داشتند؛ این تحقیق یک مرور سیستماتیک در مقیاس‌های اسلامی محور است که در مالزی توسعه یافته است. اولین مقیاس در سال ۲۰۰۶ ایجاد شد و برای جوانان در سراسر مالزی مورد هدف قرار گرفت. بر اساس بررسی انجام شده توسط محققان، مشخص شده است که ۱۱ مقیاس برای مطالعه جامعه مسلمانان در مالزی طراحی شده است. بیشتر مقیاس‌ها در زمینه دانش آموزان مسلمان در مدارس متوسطه ایجاد شده است که شامل قدردانی از عقیده (باور)، قدردانی از اخلاق اسلامی (آداب) یا به طور کلی دینداری است. این تحلیل می‌تواند مرجع قابل توجهی برای سایر محققین یا سازمان‌هایی باشد که از نظر انتخاب مقیاس معتبر و پایا و همچنین برآورده ساختن الزامات زمینه تحقیق به انجام تحقیقات کمی می‌پردازند.

بدین ترتیب شناسایی مهمترین مؤلفه‌های مؤثر در توسعه سیاسی و اقتصادی کشور مالزی به عنوان نمونه‌ای موفق از کشورهای اسلامی در دستیابی به توسعه و ثبات، از منظر ترکیب و جمع بندی نتایج مطالعات داخلی و خارجی انجام شده از جمله نوآوری‌های پژوهش حاضر است. همچنین، علاوه بر اهمیت نظری به جهت تکمیل و ایجاد همگرایی در مطالعات پیشرفت جوامع اسلامی، به لحاظ اهمیت کاربردی یعنی؛ مقایسه این مؤلفه‌ها با مؤلفه‌های مؤثر در توسعه سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و ارائه دیدگاه، چشم‌انداز و انگیزه‌ای برای ارائه راهکارهای مؤثر در زمینه ایجاد توسعه سیاسی و اقتصادی در چهارچوب الگوی اسلامی مالزی برای جامعه ایرانی قابل اهمیت و ضرورت می‌باشد.

۳-ملاحظات مفهومی و نظری پژوهش

مفهوم پیشرفت

منظور از پیشرفت وجود حرکت تکاپو و جهش از وضع موجود به سمت رسیدن به وضع مطلوب یعنی چشم انداز یا اهداف بلندمدت و میان مدت است. در این الگو، ایستایی، رکود، توقف و تردید راه ندارد و این پیشرفت باید در مقایسه با رقبای ما مشهود و ملموس باشد، رشد و تعالی انسان محقق شود. در واقع پیشرفت عبارت است از؛ مدیریت آگاهانه ی روند پویش؛ یعنی حرکت انسان در زندگی او به طور خودآگاهی پایش شود، به طوری که این پایش حرکت زائیده‌ی یک هدف‌گذاری تعریف شده باشد(سنچولی، ۱۳۹۲: ۸۱). در این راستا الگوی پیشرفت نسخه‌ای هویتی است که مؤلفه-

های هویتی هویت حاکم بر یک تمدن تبعیت می‌کند. به نوعی باید گفت که هر الگوی پیشرفت بازتاب دهنده ی تفکرات اعتقادی حاکم بر تمدن موجود آن است (امرائی، حسن، ۱۳۸۸: ۴۲) .

مفهوم ثبات سیاسی

برای ثبات سیاسی تعاریف گوناگونی ارائه شده است؛ ثبات سیاسی از نظر آکه (۱۹۷۴) به معنای منظم بودن جریان تعاملات سیاسی است (اسپرینگز ۱۳۹۴: ۱۶) . هانتینگتون ثبات را در توانمندی سیاسی می‌داند (زیاکلام، ۱۳۸۴: ۱۴).

نظریه دولت توسعه گرا

نظریه دولت توسعه‌گرا درباره نقش دولت در پروژه توسعه صنعتی مسیری که انسان‌ها در طول زمان برای بهبود شرایط زندگیشان طی کرده‌اند سبب فراهم آوردن مجموعه‌ای از ساز و کارها و ابزارها شده که در نقش پله‌های حرکت به سمت توسعه عمل می‌کنند. شکی در این نیست که جوامع انسانی خواهان حرکت در مسیر توسعه پایدارند و شکی نیست که برای طی کردن این مسیر و رسیدن به جایگاهی مناسب به دانش و تجربیات یکدیگر نیاز دارند. آنچه تفاوتها را ایجاد می‌کند، تفاوت بستریهایی است که قرار است پذیرای تغییرات ناشی از توسعه باشند (نبوی، ۱۳۹۰).

چالمرز جانسون، دولت‌های توسعه‌گرا را در قالب دولت‌های برنامه‌ای عقلانی صورت بندی می‌کند که سعی دارند؛ توانمندی‌های لازم برای حضور در عرصه رقابت‌های جهانی اقتصاد را کسب کنند و آنها را در مقابل دولت‌های برنامه‌ای قرار می‌دهد که بر خودکفایی اقتصادی تأکید می‌کنند. همچنین دولت‌های توسعه‌گرا تنها به نظارت بر فرآیندها و سازوکارهای بازار و فراهم آوردن بستر مناسب برای فعالیت بخش خصوصی اکتفا نمی‌کنند. بلکه علاوه بر داشتن ارتباط نزدیک و مستمر با بخش خصوصی، با جدیت در بازار دخالت کرده و فعالیت‌های آنها را با استفاده از مکانیسم‌هایی در راستای پیشبرد اهداف بلند مدت خود قرار می‌دادند. پیتر اونز با متمایز کردن دو نوع دولت آرمانی تاریخی از یکدیگر، مفهوم دولت یغماگر را در مقابل دولت توسعه‌گرا معرفی می‌کند. از نگاه اونز از جمله مهمترین ویژگی‌های ساختاری دولت یغماگر این است که تلاش‌ها در این نوع دولت برای به حداکثر رساندن منافع فردی است و نه پیگیری اهداف جمعی. ارتباط بین دولت و اجتماع رابطه بین تک تک مسئولان با مردم است و تشکیلات سازمان یا سازوکاری برای ارتباط بین رأی دهندگان و دولت وجود ندارد (فریر، ۲۰۱۴).

در ساختارهای اداری دولت یغماگر، روابط شخصی منبع همبستگی است، اما در دولت توسعه‌گرا ویژگی‌های وبری ساختار بوروکراتیک از جمله؛ شایسته سالاری قوی، در کنار پاداش‌ها و چشم اندازهای شغلی طولانی مدت سبب ایجاد حس مسئولیت و همبستگی سازمانی می‌شود. همبستگی از این نوع سبب می‌شود تا به جای منافع کوتاه مدت گروه‌های سیاسی که در قدرت قرار می‌گیرند بر اهداف و اولویت‌های تعیین شده در مسیر سیاستگذاری‌های بلند مدت تأکید شود. این نوع دولتها مخلوق یا نماینده منافع هیچ گروه یا طبقه خاصی نیستند، بلکه در دوره‌های اصلی تکوین خود، دولت-هایی بسیج کننده‌اند. از این رو، یکی از مهمترین ویژگی‌های ساختاری آنها این است که از کشیده شدن جدال‌های بین نخبه‌ای سیاسی بر سر موضوعات اقتصادی پرهیز می‌کنند و ویژگی عمده اقتصادی در آنها اجماع نظر بر سر یک سیاست مشخص است. در واقع، نخستین الزام ساختاری یک دولت توسعه-گرا وجود یک توافق هژمونیک درباره الگوی توسعه است که معمولاً تحت برنامه‌های میان و بلندمدت توسعه تدوین می‌شود. پس از آن وجود یک ساختار اداری کارآمد از کوتاه شدن عمر سیاستگذاری‌ها به اندازه فاصله بین عزل و نصب مسئولان و مدیران جلوگیری می‌کند دولت توسعه‌گرا موتور محرکه کشتی توسعه نیست، بلکه از نیروی بازیگران خارج از خود استفاده می‌کند و خودش سکاندار است (سروری، رسولی، ۱۳۹۸: ۸۰).

بنابراین بر اساس نظریه دولت توسعه‌گرا کشورهای در حال توسعه ناچارند؛ برای سرعت بخشیدن به فرآیند توسعه یافتگی با استفاده از سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های گوناگون، ظرفیتها و منابع لازم را در سطوح ملی و بین‌المللی بسیج کرده و در یک راستا قرار دهند، فراهم آوردن برخی زیرساخت‌ها برایشان الزامی است؛ از جمله ساختار اداری کارآمد، مستقل و حرفه‌ای و ایجاد مکانیسم-هایی برای دریافت اطلاعات و دریافت بازخورد سیاست‌گذاری‌ها از، جامعه تا منابع آگاهی لازم برای خط‌مشی‌گذاری مناسب و انطباقی فراهم شود (سروری، رسولی، ۱۳۹۸: ۸۵).

آشنایی با کشور مالزی

مالزی کشوری در جنوب شرقی آسیاست پایتخت آن کوالالامپور بوده و مرکز حکومت و وزارتخانه‌های این کشور در شهر پوتراجایا پایتخت اداری واقع است. مالزی عضو سازمان ملل متحد و اتحادیه کشورهای مشترک المنافع است که این اتحادیه شامل ۱۳ کشور در جنوب شرقی آسیاست. نام مالزی، زمانی که فدراسیون مالیا سنگاپور، صباح و ساراواک یک اتحادیه متشکل از ۱۴ ایالت را تشکیل دادند انتخاب شد. در سال ۱۹۶۵ سنگاپور از مالزی جدا شد و به کشوری مستقل تبدیل شد. نوع

حکومت مالزی پادشاهی مشروطه و مجلس مالزی شامل یک مجلس پایین دست خانه مردم متشکل از اعضا است که برای یک دوره پنج ساله انتخاب می‌شوند و مجلس بالادست سنا و یا خانه (کشور) متشکل از ۷۰ عضو است که برای ۶ سال منصوب می‌شوند؛ ۴۴ نفر از اعضای سنا توسط پادشاه تعیین و بقیه از سوی مجالس ایالتی ۱۳ گانه و سه منطقه فدرال انتخاب می‌شوند.

الگوی پیشرفت در مالزی

مالزی یکی از کشورهای آسیای جنوب شرقی است که روند توسعه اقتصادی-اجتماعی خود را در دوره بعد از جنگ جهانی دوم و به طور مشخص از دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز کرد (نبوی: ۱۳۹۰، ۲۸). این کشور با بهره‌مندی از مدیریت دقیق اقتصادی، بهره‌گیری از تجربه نسل اول توسعه در منطقه ژاپن و کره جنوبی الهام‌گیری از اصول پیشرفت در کشورهای غربی و توسعه‌یافته سرمایه‌گذاری خارجی و آزادسازی اقتصادی به سرعت رو به توسعه نهاد و امروزه یکی از کشورهای توسعه‌یافته مسلمان به شمار می‌رود (تیک^۱، ۲۰۰۴: ۳۰). از سوی دیگر، با توجه به توسعه اقتصادی حاصل شده و نیز رشد طبقه متوسط در این کشور فرایند توسعه سیاسی و دموکراسی به عنوان عامل تداوم بخش توسعه اقتصادی در حال تعمیق و گسترش است (شیرزادی، ۱۳۸۹: ۴۸). برنامه‌ریزی پیشرفت در مالزی همکاری تنگاتنگ نهادها و وزارتخانه‌های مختلف را دربر می‌گیرد. این روند بدون وقفه ادامه دارد و باعث شده تا کل شهروندان نسبت به تغییرات ایجاد شده، واکنش مثبت نشان دهند. البته در این روند نیز دولت، نقش محوری در تغییر ساختارها اثر گذاری روی سپرده‌ها سرمایه‌گذاری و سیاست‌های پولی ایفا کرد (توماس^۲، ۲۰۰۶: ۲۱۴).

اهداف اصلی سیاست‌های پیشرفت و توسعه در مالزی عبارتند: از زدودن فقر، هماهنگی اقتصادی میان اقوام، توسعه اقتصادی بر اساس الگوی جایگزینی واردات و صنعتی شدن و در دست‌یابی به این اهداف، بخش دولتی نقش محوری و فعال در اقتصاد ایفا کرده، به گونه‌ای که بخش خصوصی تشویق شده تا به عنوان موتور رشد، ایفای نقش نماید (میلن و دی‌یان^۳، ۲۰۱۵: ۹۹). در این راستا مالزی از چهار ابزار برنامه‌ریزی استفاده کرده است:

الف. برنامه چشم‌انداز که جنبه دراز مدت دارد، ب. برنامه پنج ساله توسعه که برنامه‌ای میان مدت به شمار می‌رود، ج. ارزیابی نیمه اول برنامه پنج ساله توسعه و د. بودجه سالانه (شیرزادی، ۱۳۸۹: ۱۶۳).

¹ Teik

² Thomas

³ Milne & Diane

در طراحی الگوی پیشرفت در کشور مالزی توجه فراوانی به اهمیت و نقش ثبات سیاسی در پیشرفت و توسعه کشور شده و در این راستا اصولی را اساس سیاست گذاری‌های خود قرار دادند که مهم‌ترین آنها عبارت است از: انتخاب راه حل مذاکره به جای جنگ در برخورد با دولتهای بیگانه، کم رنگ کردن تفاوت‌های نژادی میان شهروندان مالزی اعم از مالاییها، چینی‌ها و متحد ساختن مذاهب و ادیان مختلف با هم و تمرکز بر اشتراکات موجود میان شهروندان به منظور متحد ساختن آنان (محمد، ۱۳۹۳: ۱۳۵-۱۲۱). به این ترتیب با ایجاد و توسعه ثبات سیاسی و جلب رضایت همگانی در کشور، زمینه‌های جذب سرمایه و اجرای الگو و سیاست‌های پیشرفت کشور فراهم شده است.

برنامه ریزی در مالزی

از دهه ۱۹۵۰ در مراحل اولیه تدوین برنامه پنج ساله توسعه مالزی، برنامه‌ریزی توسعه یکی از وظایف دولت تعیین شد. در سال ۱۹۶۱ واحد برنامه‌ریزی اقتصادی (EPU)^۱ در دفتر نخست‌وزیر تشکیل شد تا برنامه‌ریزی توسعه با جدیت و نظارت بیشتر و بهتری پیگیری شود. سیستم آماده سازی برنامه‌های میان و بلندمدت - در قالب برنامه‌های پنج ساله - باعث حمایت از توسعه ملی مالزی شده است. چنین برنامه‌هایی باعث می‌شود که بخش خصوصی از سیاست‌ها و استراتژی‌های اقتصادی دولت آگاهی یابد و بر اساس این آگاهی، برنامه‌ریزی کند.

در مالزی تصمیم گیرنده نهایی درباره سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی شورای برنامه ریزی ملی (NPC)^۲ است. این شورا متشکل از کمیته اقتصادی کابینه است که وزرای مرتبط با بخش اقتصاد آن را شکل می‌دهند. علاوه بر شورای برنامه ریزی ملی (NPC) دو شورای دیگر متشکل از وزرا در ساختار دولت مالزی وجود دارند. یکی از این شوراها شورای توسعه ملی است که وظیفه آن بررسی پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه است و شورای دیگر شورای امنیت ملی است که با مسائل امنیتی کشور و بلایای طبیعی سروکار دارد. نخست وزیر ریاست هر سه شورا را برعهده دارد (محمد، ۱۳۹۳: ۱۳۵-۱۲۱).

در ساختار برنامه ریزی مالزی شورای برنامه ریزی ملی (NPC) از سوی کمیته برنامه ریزی توسعه ملی (NDPC) حمایت می‌شود. این کمیته متشکل از مقامات ارشد دولتی است که دبیر ارشد کابینه ریاست آن را بر عهده دارد. وظیفه این کمیته نظارت بر اجرای پروژه‌ها مطالعه و بازنگری کلیه برنامه‌های توسعه و ارائه پیشنهاد در مورد تخصیص بودجه برای این پروژه هاست. تمام برنامه‌های ارائه

^۱ Economic Planning Unit

^۲ National Planning Council

شده پیش از تصویب در دولت و مجلس را کمیته برنامه‌ریزی توسعه ملی بررسی می‌کند. تمرکز اصلی در برنامه ریزی در سطح مالی روی برنامه‌های بخش دولتی در برنامه پنج ساله توسعه است. در حقیقت دولت، براساس پیشنهادها و توصیه‌های کمیته برنامه‌ریزی توسعه ملی، هزینه‌ها و بودجه هر یک از بخشها را تعیین می‌کند. البته برنامه‌ریزی با همکاری بخش خصوصی انجام می‌شود. در کنار تعدادی از شوراهای و کمیته‌ها از جمله شورای عملیاتی اقتصاد ملی (NEAC) و شورای تجارت مالزی از بخش خصوصی در قالب گفتگو با مقامات، خزانه وزارتخانه تجارت بین الملل و صنعت و همچنین بانک مرکزی مشاوره گرفته می‌شود.

برنامه‌ریزی توسعه در مالزی یک ویژگی قابل توجه دارد و آن اینکه برنامه‌ریزی که حلقه اول چرخه هر طرح و برنامه‌ای به شمار می‌آید با نظارت کامل بر روند اجرای برنامه و همچنین ارزیابی برنامه پس از اجرای آن همراه است. نتایج این نظارت‌ها و ارزیابی‌ها برای برنامه‌ریزی‌های بعدی بسیار مؤثر بوده و این گونه است که اشتباهات گذشته تکرار نمی‌شود در حقیقت نظارت بر عملیات اجرایی پروژه‌ها، باعث می‌شود تصویر شفافی از ظرفیت‌های اجرایی اقتصاد کشور به دست آید. همچنین با ارزیابی نتایج اجرای پروژه‌ها می‌توان دریافت که کارایی و بازدهی پروژه‌های اجرا شده تا چه حد بوده است (محمد، ۱۳۹۳: ۱۳۵-۱۲۱).

سیاست‌گذاری توسعه در مالزی

تکامل سیاست های توسعه مالزی را می توان به چند بخش تقسیم کرد: الف - دوران پیش از سیاست های اقتصادی جدید، ب- دوران سیاست های اقتصادی جدید (۱۹۷۱ تا ۱۹۹۰) و ج- دوران پس از NEP.

در دوره قبل از NEP، تأکید بر توسعه اقتصادی و روستایی بود، با این هدف که بازار صادرات با رشد قوی مواجه شود. در این دوره تلاش شد تا هم زیرساخت‌های فیزیکی و هم زیرساخت‌های اجتماعی بنا شوند. همچنین سیاست‌ها در جهت افزایش تولید هدایت شد. علاوه بر این، اقدامات اندکی هم برای تشویق فعالیت‌های صنعتی برای تولید کالاهای سبک به منظور کاهش واردات و اشتغال‌زایی انجام شد.

در سال ۱۹۷۰، سیاست‌های اقتصادی جدید، در قالب برنامه چشم انداز (OPP) شکل گرفت. هدف از ارائه NEP از بین بردن فقر و بازسازی جامعه بود. در این دوره شعار اصلی، رشد برابر بود که در راستای آن، اتحاد ملی هدف اصلی اعلام شد. در آن زمان، هدف این بود که نرخ فقر در مالزی از ۷/۱۶ درصد به ۳/۴۹ درصد کاهش یابد و تا سال ۱۹۹۰ مالکیت افراد خارجی در مالزی از ۳۰ درصد به

۳/۶۳ درصد کاهش یابد. همچنین مقرر شد که سود حاصل از توسعه تنها به قوم یا نژاد خاصی تعلق نگیرد، بلکه به صورت عادلانه در میان تمام اقوام کشور تقسیم شود (محمد، ۱۳۹۳: ۱۳۵-۱۲۱). برای دستیابی به اهداف NEP انتظار می‌رفت که بخش دولتی نقش محوری و فعال در اقتصاد ایفا کند، در حالی که بخش خصوصی تشویق شد تا به عنوان موتور رشد نقش ایفا کند. همچنین مقرر شد که تغییرات ساختاری در اقتصاد به وجود آید تا در برابر نوسانات خارجی کمتر آسیب ببیند. در سال ۱۹۹۲ برنامه چشم انداز (OPP) در قالب سیاست توسعه ملی (NDP) ارائه شد تا این که جایگزین NEP شود. قرار بر این بود که NDP در یک دهه (۱۹۹۱) تا (۲۰۰۰) اجرا شود (محمد، ۱۳۹۳: ۱۳۵-۱۲۱).

چشم انداز ۲۰۵۷ مالزی

مطابق این چشم انداز تا سال ۲۰۵۷ مالزی رهبری، اقتصادی آموزشی و زیست محیطی را در سطح بر عهده خواهد داشت. در چشم‌انداز ۲۰۵۷ مالزی روندهایی که در برگیرنده مقوله‌هایی مانند نیازهای اجتماعی، اخلاق به عنوان الگوی گسترش مردم سالاری در اداره کشور، نظام سلطنتی بازسازی شده، رسانه‌های صریح‌تر، صورتبندی برابر برای توزیع ثروت و چشم‌اندازی جهانی‌تر و توجه به نیازهای بنیانی اقتصاد آموزش و محیط زیست است. مطابق این چشم انداز پیشران‌های تغییر و چالش‌های عمده فراوری مالزی شامل موارد زیر هستند:

نیروی درحال رشد اسلام نیروی کار خارجی رابطه ویژه با چین و رابطه اقتصادی سه جانبه میان بانکوک، بروئی و سنگاپور با پیامدهایی که هنوز ناشناخته هستند و اقتصاد مالزی را تحت تأثیر قرار خواهند داد، دارند.

ساختار اقتصادی و تولید ناخالص داخلی (GDP)

اقتصاد مالزی به صورت نظام بازار آزاد بوده و شرکت‌های خارجی (غربی) زیادی به‌خصوص از آمریکا، آلمان، ژاپن، سنگاپور، تایوان و سوئد، سرمایه‌گذاری زیادی در این کشور کرده‌اند. عمده‌ترین منبع درآمدی مالزی، صنعت کشاورزی، درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز، کائوچوهای طبیعی، قلع، روغن نخل، تجهیزات الکترونیکی نساجی و عواید ناشی از صنعت جهانگردی و مالیات است.

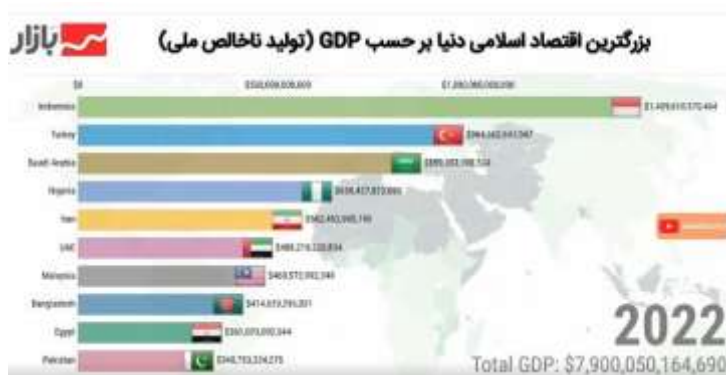
پیش از ماهاتیر محمد، بیشتر مردم مالزی به فعالیت‌های کشاورزی مشغول بودند، اما پس از اعمال سیاست‌های جدید اقتصادی وی و صنعتی شدن این کشور، گرایش مردم به سمت کارهای خدماتی و صنعتی بیشتر شده است. همچنین به علت ثبات نسبی سیاسی، صنعت جهانگردی و سرمایه‌گذاری خارجی، رونق بیشتری یافته و این امر موجب گردیده است گرایش مردم به کارهای خدماتی در مقایسه

با بخش کشاورزی و صنعتی بیشتر شود.

در سال ۱۹۷۱، تولید ناخالص داخلی (GDP) مالزی به رقم متوسط سالانه ۷ درصد رسید. بین سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۸۵م، متوسط نرخ رشد GDP به ۸ درصد رسید. در طول سال ۱۹۸۰م GDP واقعی به رقم ۵ درصد رسید، اما رشد آن متوقف ماند. تأثیر بحران ۱۹۹۷ بر روی GDP بسیار شدید بود به طوری که رقم آن بسیار کاهش یافت. اما در سال‌های بعد سیاست‌های جدید اقتصادی دولت به کمک اقتصاد مالزی شتافت و با اصلاحاتی که انجام گرفت، رقم GDP از ۵/۸ درصد در سال ۱۹۹۹م به ۸/۵ درصد در سال ۲۰۰۰م رسید. نیاز بخش داخلی به کالاهای ساخت داخل و صادرات لوازم الکترونیکی در سال ۲۰۰۲م، باعث شد رقم GDP بالاتر رود.

در حال حاضر (۲۰۰۴م) تولید ناخالص داخلی مالزی حدود ۲۰۷ میلیارد دلار است. کشاورزی ۸/۴ درصد، بخش صنعت ۴۵/۳ درصد و بخش خدمات ۴۶/۳ درصد از GDP را به خود اختصاص داده‌اند. ۵۵/۳ درصد از نیروی کار در مناطق شهری اشتغال به کار دارند. با توجه به اصلاحات اقتصادی در بخش خدمات، بیشتر فرصت‌های شغلی جدید در این بخش بوجود آمده است. در سال‌های اخیر بخش صنعت، نیروی کار کمتری را به استخدام خود در آورده است اما بخش ساخت و ساز ۵۵/۵۰۰ شغل جدید ایجاد کرده است که آن‌هم به دلیل کمک‌های مالی دولت و وضع قوانین سهل‌گیرانه در این زمینه بوده است (محمد، ۱۳۹۳: ۲۱۴).

در ادامه جدیدترین نمودار رتبه بندی بزرگترین اقتصاد اسلامی دنیا بر حسب تولید ناخالص ملی در گرافی ارائه می‌شود:



شکل شماره ۱: رتبه بندی بزرگترین اقتصادهای اسلامی: منبع سایت تحلیل بازار

۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع هدف -بنیادی کاربردی، رویکرد به کار گرفته شده کیفی و از نوع سنتز پژوهی و راهبرد مورد استفاده فراترکیب است که با انجام تحلیل محتوای استقرایی و سپس فراترکیب از تحلیل های انجام شده همراه است. در این تحقیق مقولات و مضامین اصلی استخراج و بعد از کدگذاری و انتخاب مقولات، اصلی ترکیبی از این مقولات انجام شد که منجر به طراحی یک چهارچوب مفهومی در حوزه مطالعات پیشرفت اسلامی گردید. جامعه آماری پژوهش شامل تحقیقات داخلی و خارجی انجام شده در حوزه مطالعات پیشرفت اسلامی به طور اعم و پیشرفت مالزی به طور اخص بود. پایگاه های اطلاعاتی که این مقالات از آنها انتخاب شده‌اند؛ شامل گوگل اسکولار^۱، ساینس دایرکت^۲، اسپرینگر^۳، اسکوپوس^۴، الزیور^۵، پایگاه مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۶، پرتال پژوهشگاه علوم انسانی^۷ و ایرانداک مطالعات فرهنگی، پایگاه نشر کنفرانس های کشور^۸ پایگاه مجلات تخصصی نور^۹ و سامانه نشریات کشور^{۱۰} بود. معیار ورود پژوهش ها در این مطالعه مرتبط بودن با هدف پژوهش بوده است.

از مجموع تحقیقات انتخاب شده، تعدادی از آنها به دلایلی چون؛ عدم اطلاعات کافی در زمینه اهداف تحقیق، انجام بررسی ها صرفاً در یک منطقه خاص، پژوهش هایی که با عناوین و اهداف یکسان انجام شده بودند و پژوهش های فاقد الگوی روش شناختی مناسب، برای ورود به تحلیل نهایی مناسب نبودند و از فرایند تحلیل خارج و در نهایت با توجه به ملاک های پژوهش و بررسی عناوین چکیده و متن کامل و به اشباع رسیدن داده های مورد نیاز، تعداد ۲۰ نمونه به صورت هدفمند انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. داده ها و نتایج یافته های پژوهشی در ۳ بعد مفاهیم، مقولات و مقولات هسته ای (اصلی) طبقه بندی و تحلیل شدند. داده ها و منابع مورد استفاده در چند مرحله پالایش و استخراج و پس

¹ Google Scholar

² Science Direct

³ Springer

⁴ Scopus

⁵ elsevier

⁶ sid.ir

⁷ ensani.ir

⁸ civilica

⁹ Normagas

¹⁰ magiran

از تحلیل و ترکیب نتایج در یک چهارچوب مفهومی جامع و همه جانبه مورد استفاده قرار گرفتند.

۵- یافته‌های پژوهش

مرحله اول: مقوله و مفهوم سازی داده‌ها

در این پژوهش، مطالعات حوزه روند پیشرفت مالزی در داخل و خارج کشور برحسب اهمیت ارتباط موضوعی و دسترسی نگارنده به محتوای آنها تا جایی که داده‌ها به مرحله اشباع رسید، مورد استناد قرار گرفتند. بررسی پیشینه‌ها و یافته‌های پژوهش نشان داد که هر یک از پژوهش‌های انجام گرفته با شاخص‌هایی خاص به جمع بندی رسیده و هر یک از این شاخص‌ها شمولیت کافی را دارا نمی‌باشند. به این معنی که تنها بعدی خاص را مدنظر قرار داده و همه ابعاد در آن مقایسه دیده نمی‌شود. در جدول (۱) بر اساس مطالعات انجام شده، شاخص‌های مدنظر محققان در زمینه «پیشرفت جامعه مالزی» نشان داده می‌شود تا با تحلیل این شاخص‌ها و مقوله بندی آنان در مراحل بعد بتوانیم به ترکیبی جدید و کاربردی برسیم.

جدول ۱. مقوله بندی اولیه داده‌ها

شماره کد سند	نام پژوهشگر و سال	عنوان پژوهش	شاخص‌های پیشرفت مالزی
۱	<i>Sakiru Adebola Solarin, Muhammad Shahbaz and Radzuan Bin Razali 2020</i>	فناوری اطلاعات و ارتباطات، توسعه مالی، رشد اقتصادی و مصرف برق: شواهد جدید از مالزی	علیت دوسویه بین رشد اقتصادی و مصرف برق یافت می‌شود. توسعه مالی باعث مصرف برق و مصرف برق به نوبه خود باعث توسعه مالی در مفهوم منجر می‌شود.
۲	<i>R Afroz, M Muhibbullah 2020</i>	تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی و سلامت جمعیت در مالزی	تمرکز سوادآموزی، انتشار اطلاعات بهداشتی و تسهیل امکانات پزشکی بر دیجیتال در مالزی
۳	<i>Amir Imran Zainoddin and Azlan Amran, Mohd. Rizaimy Shaharudin 2020</i>	تأثیر سرمایه اجتماعی بر اثربخشی برنامه‌های توسعه اجتماعی در مالزی	ابعاد رابطه‌ای و شناختی سرمایه اجتماعی بر اثربخشی برنامه‌های توسعه اجتماعی در مالزی مثبت

	است.		
۴	رضا شیرزادی ۱۳۹۶	اندیشه توسعه‌گرا (مورد کاوی اندیشه های ماهاتیر محمد)	نخبگان توسعه‌گرا مالزی، عزم راسخ برای پیشبرد توسعه، پابندی به رشد و تحول اقتصادی، و توانایی آنان برای پیشبرد اهداف
۵	مهتاب عبدی ۱۳۹۳	مقایسه کشور ایران با کشور مالزی با تکیه بر شاخص های توسعه انسانی	رشد در شاخص‌های شهر نشینی، تولید ناخالص داخلی، شاخص های آموزش، شاخص‌های سلامتی و بهداشتی، شاخص محیط زیست، شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات و در کل شاخص توسعه انسانی و سرمایه انسانی
۶	محمود بهارلو، مجید عباسی، گارینه کشیشیان سیرکی، علی آدمی ۱۴۰۰	بررسی تطبیقی مؤلفه‌های توسعه اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و مالزی	رشد و توسعه اقتصادی: با الگو قرار دادن ژاپن و کره جنوبی/ قدرت بوروکراتیک مشروع/ برنامه‌ریزی دقیق و تعهد به اجرای برنامه/ توسعه روابط با کشورهای همسایه و قدرت‌های بزرگ.
۷	محسن خلیلی و رضا دانشمندی ۱۳۹۲	نگاهی به مدل دولت/ ملّت‌سازی در مالزی	در بعد سیاسی: اقتدارگرایی بوروکراتیک
۸	حسین رفیع و میثم بلباسی ۱۳۹۱	چگونگی توسعه در مالزی نوین (با رویکردی بر نظریه دولت توسعه‌گرای آدریان لفت‌ویچ	صنعتی شدن، خصوصی سازی، توسعه صادرات، ثبات اقتصادی، سرمایه گذاری خارجی، تاثیرپذیری از الگوی توسعه ژاپن، اقتصاد مبتنی بر دانش، توسعه تکنولوژی ملی، مدیریت و تصمیم گیری های دولت، بالا بردن بهره

			وری اقتصاد، برنامه ریزی اقتصادی، توسعه ملی فناوری اطلاعات و ارتباطات و ... به توسعه سریع اقتصادی دست یافته و توانسته به سطح توسعه همه-جانبه و بالایی برسد.
۹	میرابراهیم رسولی ۱۴۰۰	مقایسه نقش ثبات سیاسی در الگوی توسعه مالزی و ترکیه با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت	تحقق عدالت سیاسی، عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی
۱۰	فاطمه مقدسی ۱۳۹۶	بررسی تطبیقی زمینه های اجتماعی- سیاسی توسعه اقتصادی در ایران و مالزی از دهه هشتاد میلادی به بعد	توسعه اقتصادی : به دلیل ۱- وابستگی کمتر اقتصادی جامعه به دولت ۲- فرهنگ سیاسی همسو با پیشرفت اقتصادی ۳- تعامل مناسب تر با نظام جهانی و نهایتاً ۴- اجماع نخبگان برای توسعه است.
۱۱	مهسا رفیعی ۱۴۰۰	بررسی تطبیقی نظام حقوقی سرمایه گذاری مستقیم و غیر مستقیم خارجی در ایران، سنگاپور، مالزی و امارات متحده عربی	مدیریت کارآمد و ثبات اقتصادی از مهمترین عوامل پیشرفت سرمایه گذاری خارجی در مالزی می باشد.
۱۲	ابوالفضل قاسمی مفرد ۱۳۹۷	بررسی نقش نخبگان سیاسی در توسعه سیاسی (مطالعه موردی: مالزی دوران ماهاتیر محمد ۲۰۰۳-۱۹۸۱)	فرایند توسعه سیاسی در دوران ماهاتیر محمد؛ به عنوان کارگزاری نخبه با الگو گیری از ژاپن و کره جنوبی و با تکیه بر ظرفیت های داخلی و بین المللی توانست فرایند نوسازی و توسعه را پیگیری و نهادینه نماید.

۱۳	محمد همایونی ۱۳۹۶	بررسی تطبیقی الگوهای تجهیز و تخصیص منابع در نظام بانکداری اسلامی در کشورهای ایران و مالزی	مثل کارایی، سودآوری، نقدینگی و جوهر، ریسک و سرمایه، کیفیت دارایی‌ها، قراردادهای اسلامی و مقاصد شریعت
۱۴	ام‌البنین نیک‌پی ۱۳۸۸	بررسی تطبیقی ویژگی‌های آموزش دوره ابتدایی در کشورهای ایران، آلمان و مالزی	نظام آموزشی متمرکز: در دوره ی ابتدایی مالزی، تحت تأثیر اقتصاد، تمرکز بر روی زبان های محلی، مطالعات اسلامی و تربیت شهروندی بوده است/ مدارس مالزی رشد روزافزونی را در رقابت جهانی تجربه نموده اند.
۱۵	غلامرضا خواجه سروری وامیر ابراهیم رسولی ۱۳۹۸	مقایسه نقش ثبات سیاسی در الگوی توسعه مالزی و ترکیه با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت	عدالت اجتماعی، رفع فقر
۱۶	فرزاد جهان بین و فرشته میر حسینی ۱۳۹۶	بررسی مؤلفه های تمدنی چهار کشور: عربستان ترکیه و مالزی	پیشرفت اقتصادی به دلیل: کاهش فقر، کاهش هزینه زندگی، اقتصاد صنعتی
۱۷	محمد جواد رنجکش ۱۳۹۸	درنگی بر آسیب شناسی ابعاد نهادی در مالزی	توسعه یافته در بخش اقتصاد
۱۸	هاجر صفاهیه و زینب شریفی فرد ۱۳۹۹	دو دهه عملکرد کشورهای اسلامی درحال توسعه در برون داده های علمی و فناورانه	رشد بالا در برون داده های علمی و فناورانه
۱۹	دفتر مطالعات بنیادین حکومتی ۱۳۹۶	آینده پژوهی مالزی	توسعه همه جانبه / نقش فعال بخش خصوصی/عدالت اقتصادی و اجتماعی با ایجاد رفاه، مبارزه با فساد، آزادسازی تجارت و سرمایه گذاری خارجی، یکپارچه

			سازی فرهنگی
۲۰	سمانه بایرامی و نعمت الله موسی پور ۱۳۹۶	مطالعه تطبیقی سیاست‌های علمی کشورهای ترکیه و مالزی با تمرکز بر علوم انسانی	مالزی با اعطای استقلال نسبی به مراکز علمی و افزایش ارتباطات بین‌المللی دانشگاه‌ها در مسیر توسعه علمی حرکت کرده است.

مرحله دوم: مقوله و دسته بندی نهایی داده‌ها

در این مرحله از مجموع اطلاعات گردآوری و کدگذاری شده مقوله‌های نزدیک به هم در یک مقوله هسته‌ای یا اصلی جای می‌گیرند. بدین ترتیب از مجموع ۵۶ مفهوم، ۴ مقوله اصلی و ۱۳ مقوله فرعی در رابطه با مؤلفه‌های مؤثر بر پیشرفت جامعه اسلامی مالزی یافت شد که در جدول ذیل (۲) بیان شده است.

جدول ۲. مقوله و دسته‌بندی نهایی داده‌ها

ردیف	مفاهیم	مقوله	کد منابع	مقوله اصلی
۱	مبارزه با فساد، ایجاد رفاه، تحقق عدالت اقتصادی، پابندی به رشد و تحول اقتصادی،	عدالت اقتصادی	۹-۱۹-۴	توسعه اقتصادی
۲	کاهش هزینه زندگی (تورم)، افزایش درآمد، رفع فقر	کاهش هزینه ها	۱۵-۱۶	
۳	ایجاد فرصت‌های شغلی مستقیم و غیر مستقیم کارایی، سودآوری، نقدینگی وجوه، ریسک و سرمایه، کیفیت دارایی‌ها، قراردادهای اسلامی	بانکداری اسلامی	۱۳	
۴	آزادسازی تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی، نقش فعال بخش خصوصی، مدیریت کارآمد و ثبات اقتصادی از مهمترین عوامل پیشرفت سرمایه گذاری خارجی مالزی است، وابستگی کمتر اقتصادی جامعه به دولت، توسعه صادرات، ثبات اقتصادی،	تجارت آزاد	۱۱-۱۹-۸-۱۰	

۵	تبدیل اقتصاد وابسته به اقتصاد صنعتی، نوسازی، اقتصاد مبتنی بر دانش، بالا بردن بهره‌وری اقتصاد، برنامه‌ریزی اقتصادی، علیت دوسویه بین رشد اقتصادی و مصرف برق یافت می‌شود. توسعه مالی باعث مصرف برق و مصرف برق به نوبه خود باعث توسعه مالی در مفهوم منجر می‌شود.	اقتصاد صنعتی	۸-۱۲-۱۶ ۱	
۶	استفاده از تمامی ظرفیت‌های سیاسی، اجتماع نخبگان. - فرهنگ سیاسی همسو با پیشرفت اقتصادی، تحقق عدالت سیاسی، اقتدارگرایی بوروکراتیک، قدرت بوروکراتیک مشروع، نخبگان توسعه‌گرا	عدالت سیاسی	۹-۱۰-۷ ۴-۶	توسعه سیاسی
۷	ارتباطات بین‌المللی سیاسی، تعامل با نخبگان داخلی و خارجی، تعامل مناسب‌تر با نظام جهانی، توسعه روابط با کشورهای همسایه و قدرت‌های بزرگ.	رشد دیپلماسی و تعامل با نخبگان	۶-۱۰-۱۲	
۸	مالزی با اعطای استقلال نسبی به مراکز علمی و افزایش ارتباطات بین‌المللی دانشگاه‌ها، رشد فناوری ارتباطات.	ارتباطات بین‌المللی	۲۰	توسعه علمی-آموزشی
۹	آموزش متمرکز، رشد در برون‌داد علمی و فناوریانه، توسعه تکنولوژی ملی	تولید دانش	۱۸-۱۴-۸	
۱۰	توسعه ملی فناوری اطلاعات و ارتباطات، توانایی آنان برای پیشبرد اهداف	رقابت جهانی	۴-۸	
۱۱	تمرکز بر روی زبان‌های محلی، مطالعات اسلامی و تربیت شهروندی	یکپارچه‌سازی فرهنگی	۱۴	توسعه اجتماعی
۱۲	تحقق عدالت اجتماعی، رشد شاخص‌های سلامتی و بهداشتی، شاخص محیط زیست، شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات، تمرکز سوادآموزی، انتشار اطلاعات بهداشتی و تسهیل امکانات پزشکی بر دیجیتال در مالزی.	عدالت اجتماعی	۲-۵-۹-۱۵	

۱۳	رشد شاخص توسعه انسانی و سرمایه انسانی، ابعاد رابطه ای و شناختی سرمایه اجتماعی بر اثربخشی برنامه های توسعه اجتماعی در مالزی مثبت است.	تقویت سرمایه اجتماعی	۳-۵
----	--	----------------------	-----

جمع بندی و نتیجه گیری

بررسی در مطالعات نشاد داد؛ آنچه که موجب شده، مالزی در طی چند دهه اخیر با سرعت مسیر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را طی کند آن است که برای توسعه کشور به طور همزمان از آینده نگری، برنامه ریزی و سیاستگذاری بهره می برد. در واقع در مالزی آینده نگاری انجام می شود که مجموعه سه گانه ای از آینده نگری برنامه ریزی و سیاستگذاری است. بدین معنا که در مرحله اول، آینده مطلوب و مؤلفه های رسیدن به آینده مطلوب توسط مطالعات آینده نگری تعیین می شود، سپس در مراحل دوم و سوم برنامه ریزی ها و نیز سیاستگذاری های لازم برای تحقق عملی آینده مطلوب تا حصول نتیجه با دقت نظام مند انجام می گیرد.

از سویی صاحب نظران همگی تأکید دارند؛ موفقیت مالزی در عرصه های مختلف توسعه در دهه های اخیر توجه به نوع نگاه این کشور به مقوله های آینده نگری برنامه الگوی توسعه و چشم انداز بلندمدت توسعه این کشور را ضروری می کند. در برنامه چشم انداز کشور مالزی استفاده از ابزارهای متنوع برنامه ریزی با دوره های زمانی کوتاه میان و بلندمدت و نیز کنترل و ارزیابی مداوم پیشرفت برنامه ها یک اصل است، اضافه بر آن توجه همزمان به زمینه های مختلف توسعه از قبیل، تجاری صنعتی اقتصادی، مدیریتی - فرهنگی و غیره، مبارزه با فساد اداری عامل اصلی موفقیت دولت در تحصیل عدالت اجتماعی و ارائه خدمات دولتی است. استراتژی های بلندمدت توسعه در سایه توجه به ارزش های اخلاقی و فرهنگی و نیز اهمیت بخشیدن و توجه به بخش خصوصی است که فرآیند توسعه این کشور را سرعت و استحکام بخشیده است.

مشخصه های قابل توجهی که در خارج ساختن مالزی از گروه کشورهای عقب مانده و سرعت بخشیدن به طی مسیر توسعه اقتصادی - اجتماعی طی چند دهه مؤثر بوده اند را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- استفاده از آینده نگری برای شناسایی اولویت ها و نیازهای کشور و استفاده از ابزارهای متنوع برنامه ریزی با دوره های زمانی، کوتاه مدت و بلندمدت که همگی در راستای چشم انداز بلندمدت

این کشور قرار دارند.

- کنترل و ارزیابی پیوسته و مداوم چگونگی پیشرفت و اجرای برنامه‌ها و بررسی نتایج آنها،
- استفاده از نهادها و شوراهای تخصصی برنامه ریزی برای تعیین اهداف آرمانی و استراتژیک بلندمدت توسعه توجه به شیوه‌های عملی و الزامات برقراری و پیاده‌سازی اهداف تعریف شده در چشم انداز. توجه به بخش خصوصی و کمک گرفتن از این بخش در مسیر توسعه،
- توجه همزمان به زمینه‌های مختلف توسعه از قبیل حوزه های، تجاری، صنعتی مدیریتی فناوری اطلاعات اقتصادی، اجتماعی فرهنگی توسعه‌ای،
- اهمیت به ارتقای سطح رفاه تمامی اقشار جامعه و برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی توجه به ارزش های اخلاقی و معنوی و برقراری نظام حکومتی مردم سالار در طراحی اهداف،
- مدنظر قرار دادن اهداف اصلاحی فرهنگی و اجتماعی در زمینه وفاق ملی و مقابله با مشکل تعدد قومیت ها و مذاهب و
- مبارزه با فساد اداری که مانع اصلی موفقیت دولت‌ها در تحویل عدالت اجتماعی و ارائه خدمات. لازم به ذکر است که براساس نتایج تحقیق حاضر، مؤلفه‌های اساسی پیشرفت کشور مالزی شاخص‌های اصلی شامل؛ ۱. توسعه اقتصادی با زیر مقوله‌های؛ عدالت اقتصادی، کاهش هزینه‌ها، بانکداری اسلامی، تجارت آزاد، اقتصاد صنعتی، ۲. توسعه سیاسی با زیر مقوله‌های عدالت سیاسی، رشد دیپلماسی و تعامل با نخبگان، ۳. توسعه علمی-آموزشی با زیر مقوله‌های؛ ارتباطات بین المللی، تولید دانش، رقابت جهانی و ۴. توسعه اجتماعی با زیر مقوله‌های؛ یکپارچه سازی فرهنگی، عدالت اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی می‌باشد.

منابع

- اسپریگنز، توماس (۱۳۹۴). فهم نظریه های سیاسی، مترجم: فرهنگ رجایی، تهران: انتشارات آگه، چاپ هفتم.
- امرائی، حسن (۱۳۸۸). مهندسی سیاست، تهران: انتشارات شوکا، چاپ اول.
- بایرامی، سمانه؛ موسی پور، نعمت الله (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی سیاست های علمی کشورهای ترکیه و مالزی با تمرکز بر علوم انسانی»، پژوهش های سیاسی جهان اسلام، شماره ۲۵، صص ۶۱ - ۸۹.
- بهارلو، محمود، عباسی، مجید؛ کشیشیان سیرکی، گارینه و آدمی، علی (۱۴۰۰). «بررسی تطبیقی مؤلفه های توسعه اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و مالزی»، سیاست پژوهی ایرانی، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۷-۴۰.
- سیف، آرمان (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی نظام حقوقی سرمایه گذاری مستقیم و غیر مستقیم خارجی در ایران، سنگاپور، مالزی و امارات متحده عربی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی سهند، دانشکده مهندسی شیمی.
- خواجه سروری، غلامرضا؛ رسولی، امیرابراهیم (۱۳۹۸). «مقایسه نقش ثبات سیاسی در الگوی توسعه مالزی و ترکیه با الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت»، تحقیقات سیاسی بین المللی، شماره ۳۸، صص ۷۷-۱۰۰.
- خلیلی، محسن؛ دانشمندی، رضا (۱۳۹۲). «نگاهی به مدل دولت/ملت سازی در مالزی»، جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره ۱، صص ۸۵ - ۱۲۴.
- صالحی، صغری؛ قاسمی، حاکم (۱۳۹۷). «سازمان های غیررسمی زنان مالزی و ترویج ارزش های فرهنگی ایران»، پژوهش های سیاسی جهان اسلام، شماره ۲۶، صص ۸۹ - ۱۲۳.
- دفتر مطالعات بنیادین حکومتی (۱۳۹۶). آینده پژوهی مالزی.
- رفیع، حسین؛ بلباسی، میثم (۱۳۹۱). «چگونگی توسعه در مالزی نوین (با رویکردی بر نظریه دولت توسعه گرای آدریان لفت ویچ)»، پژوهش های سیاسی جهان اسلام، شماره ۵، صص ۷۱ - ۱۰۲.
- رسولی، میرابراهیم (۱۴۰۰). مقایسه نقش ثبات سیاسی در الگوی توسعه مالزی و ترکیه با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، رساله دکتری تخصصی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- زیبا کلام، صادق (۱۳۸۴). از هانتینگتون و خاتمی تا بن لادن؛ برخورد با گفت و گوی میان تمدن ها: تهران، انتشارات روزنه، چاپ اول.
- شیرزادی، رضا (۱۳۹۶). «اندیشه توسعه گرا (مورد کاوی اندیشه های ماهاتیر محمد)»، پژوهش های سیاسی جهان اسلام، شماره ۲۳، صص ۱۹۷ - ۲۲۳.
- شیرزادی، رضا (۱۳۸۹). «دولت و توسعه سیاسی در مالزی»، مطالعات سیاسی، سال سوم؛ شماره ۹.

قاسمی مفرد، ابوالفضل (۱۳۹۷). بررسی نقش نخبگان سیاسی در توسعه سیاسی (مطالعه موردی: مالزی دوران ماهاتیر محمد ۲۰۰۳-۱۹۸۱)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

عبدی، مهتاب (۱۳۹۳). مقایسه کشور ایران با کشور مالزی با تکیه بر شاخص های توسعه انسانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خلخال - پژوهشکده علوم اجتماعی.

گلدانی، مهدی؛ قربانپور، علی (۱۴۰۱). «مقایسه تطبیقی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و توسعه پایدار»، مطالعات پیشرفت الگوی اسلامی ایرانی، دوره ۱۰، شماره ۴، شماره پیاپی ۲۴.

محمد، ماهاتیر (۱۳۹۳). اسلام، دانش و مسائل بین‌المللی؛ علل پیشرفت مالزی به بیان ماهاتیر محمد، مترجم: محمد رضا رضایی پور، تهران: انتشارات رسا، چاپ سوم.

مرادی حقیقی، فائزه؛ موثقی گیلانی، احمد (۱۳۹۴). «کارکرد اجتماعی و فرهنگی مذهب در توسعه اقتصادی مالزی»، مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۳۱، صص ۶۹ - ۹۶.

مسائلی، محمود (۱۳۷۵). مالزی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

مقدسی، فاطمه (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی زمینه های اجتماعی - سیاسی توسعه اقتصادی در ایران و مالزی از دهه هشتاد میلادی به بعد، پایان نامه کارشناسی ارشد.

همایونی، محمد (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی الگوهای تجهیز و تخصیص منابع در نظام بانکداری اسلامی در کشورهای ایران و مالزی، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی عطار.

نبوی، سید عبدالامیر (۱۳۹۰). «ایران و دولت توسعه‌گر»، علوم سیاسی، دوره ششم، شماره ۳، صص ۱۳۲-۱۳۵۷.

نیک‌بی، ام‌البین (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی ویژگی‌های آموزش دوره‌ی ابتدایی در کشورهای ایران، آلمان و مالزی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

Amir Imran Zainoddin and Azlan Amran, Mohd. Rizaimy Shaharudin The effect of social capital on the effectiveness of community development programmes in Malaysia (2020), Int. J. Information and Decision Sciences, Vol. 12, No. 3.

Sakiru Adebola Solarin, Muhammad Shahbaz and Radzuan Bin Razali (2020) ICT, financial development, economic growth and electricity consumption: New evidence from Malaysia, Global Business Review, Volume 22, Issue 4.

R Afroz, M Muhibbullahkoreascience. or. Kr (2020) Impact of information and communication technology on economic growth and population health in Malaysia, The Journal of Asian.

Teik, Khoo Boo (2003). Paradoxes of Mahathirism: An Intellectual Biography of Mahatir Mohamad, 2nd ed. Kuala Lumpur, Malaysia: Oxford University Press.

- Teik, Khoo Boo (2004). Beyond Mahatir: Malaysian Politics and Its Discontents. London: Zed Book.
- Salbiah Mohamed Salleh, Jamil Ahmad (2020) Systematic Literature Review of Islamic Oriented Scale in Malaysia.
- Milne, R. S. & Diane, K. (2015). Malaysian Politics Under Mahatir. New York. London: Routledge.
- Teik, Khoo Boo. (2004). Beyond Mahatir: Malaysian Politics and Its Discontents. London: Zed Book.
- Thomas, M. Leonard. (2006). Encyclopedia of the Developing World. New York. London: Routledge.
- <https://www.tahlilbazaar.com/>
- <https://www.kardarjob.com/>